



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی

عنوان :

بررسی اقدامات دولت (شبه) مدرن رضاخان بر سیاست قومی و قوم گرایی در

ایران بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۴ (مطالعه موردی قوم کرد و ترک)

پایان نامه

جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر محمدباقر خرمشاد

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر سید مهدی رفیعی

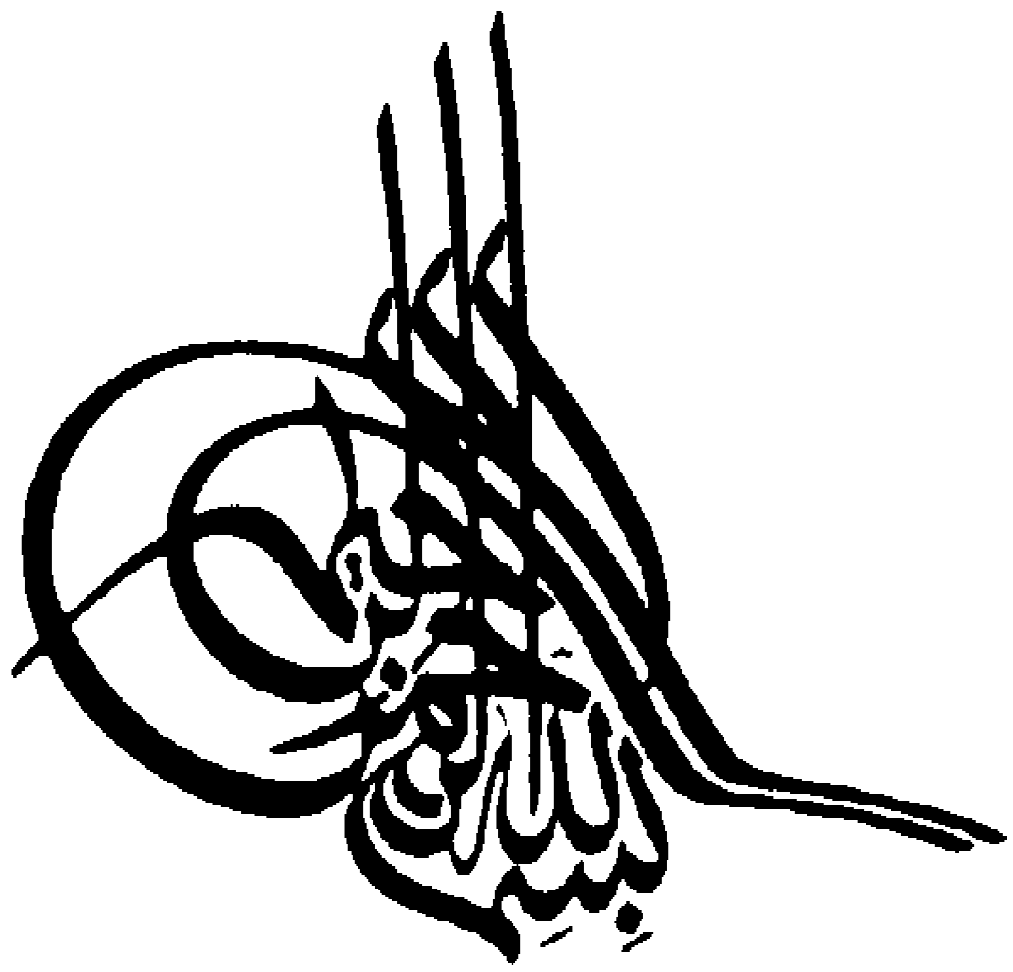
استاد داور:

جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر

نگارنده:

حمید صادقی مزیدی

بهار ۱۳۹۰



تقدیم به:

پدر و مادری که دلیل بودن، ماندن و حرکت، هستند آنانکه وجودم از جسم و جانشان برخاسته، روحم باطنین

عشقشان نوا آموخته و اثرم از مرحمت لطفشان به ثمر نشسته.

و تقدیم به او که بودنم را معنا، زندگی ام را صفا، و حرکتم را نوا بخشید

و تقدیم به هموطنان عزیز ترک و کرد

و تقدیم به تو ای آشنا که ورقی از آن رامی کشایی...

تقدیر و تشکر:

انجام این پژوهش را مدیون انسانهای بزرگی، هستم که محبت و خضوع را معنا کرده اند.

استاد محترم جناب آقای دکتر محمد باقر خرمشاد استاد راهنما که در تمام مراحل کار مریادی کردند

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سید مهدی رفیعی که زحمت استاد مشاوره را بر عهده گرفتند

و همچنین از استاد گرامی جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر که زحمت داوری این پروژه را بر عهده داشتند

و در پایان از تمام بزرگوارانی که همواره مشوق و حامی من بوده اند کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از درگاه ایزدمنان آرزوی تندرستی و توفیق روز افزون برای این عزیزان را خواستارم

چکیده :

ایران کشوری است با اقوام گوناگون که این اقوام در درازای تاریخ با هم زندگی کرده و در خوشی ها درکنار هم بوده و ظلم ها و ستم های داخلی و خارجی را با هم به سر برده اند و هویت ایرانی را با هم ساخته اند، و این هویت نیز به قوم خاصی محدود نبوده اما ظهور دولت (شبه) مدرن رضا شاه گسستی در این روند به وجود آورد و مسیری جدید پیش روی اقوام گذاشت ؛ این گسست باعث شد اقوام از هویت ایرانی خود فاصله بگیرند و بر هویت قومی خود تأکید کنند.

هدف این پژوهش بررسی چگونگی همین تغییر مسیر است . بنابراین به آثار دولت(شبه) مدرن بر اقوام (کرد و ترک) پرداخته است ؛ روش به کار برده شده نیز تاریخی، توصیفی-تحلیلی می باشد . فرضیه مد نظر این است که دولت رضا شاه با تغییر الگوی سیاست قومی از تکثر گرایی به یکسان سازی و اتخاذ تبعیض های ناروا (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) در ارتباط با اقوام باعث ظهور قوم گرایی در میان اقوام ایرانی گشت . همچنین این پژوهش تلاش کرده است از میان متغیر هایی مانند دولت، روشنفکران قوم و نیروهای خارجی در ارتباط با سیاسی شدن اقوام به نقش دولت به عنوان اصلی ترین عامل توجه کند و مسائل قومی را بیشتر داخلی و اجتماعی می داند تا خارجی و سیاسی .

کلمات کلیدی: دولت (شبه) مدرن، سیاست قومی ، قوم گرایی، تکثر گرایی ، یکسان سازی، هویت قومی(ایلی).

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه :
فصل اول: کلیات تحقیق	
۴	طرح مسأله
۶	اهمیت تحقیق
۷	اهداف تحقیق
۸	سؤال تحقیق
۸	فرضیه تحقیق
۸	متغیرهای تحقیق
۹	تعریف مفاهیم
۱۶	سوابق تحقیق
۲۳	روش تحقیق
۲۳	موانع و مشکلات تحقیق
۲۳	سازماندهی تحقیق
۲۴	پی نوشت:

فصل دوم: چارچوب نظری

۲۷	بیان کلی:
۲۷	دیدگاه قدیمی گرایان و ابزارگرایان درباره قومیت
۲۹	رویکردهای مربوط به علل سیاسی شدن اقوام
۲۹	الف) اقتصاد سیاسی و منازعات قومی

- ۱- تئوری میلتنون ایسمن..... ۲۹
- ۲- نظریه گزینش عقلانی..... ۳۰
- ۳- نظریه استعمار داخلی..... ۳۳
- ۴- نظریه توسعه ناموزون و نابرابرهای منطقه ای ۳۹
- ب (بحرانهای قومی از خلال مباحث توسعه و نوسازی..... ۴۱
- نظریه پردازیهای سنتی درباره توسعه و هویت قومی..... ۴۱
- نظریه پردازیهای جدید درباره توسعه و هویت قومی..... ۴۴
- ج (بحران های قومی از چشم انداز فرهنگ و ارتباطات ۴۸
- رویکرد اول : کاهش منازعات قومی در چشم انداز توسعه فرهنگی -ارتباطی ۴۸
- رویکرد دوم : تنش های قوم در فرآیند توسعه سطح مراودات و مبادلات فرهنگی -ارتباطی ۵۱
- د (منازعات قومی از منظر علم سیاست : ۵۴
- عدم استقرار نظام شهری و شهری : ۵۴
- عدم استقرار جامعه مدنی : ۵۷
- نقش استعمار و نظریه توطئه : ۶۲
- ه (جمع بندی نظریات و ارائه چارچوب نظری متناسب با مسایل قومی ایران : ۶۵
- پی نوشت: ۶۸

فصل سوم: عناصر تشکیل دهنده اقوام (کرد و ترک)

- الف (عناصر تشکیل دهنده قوم کرد : ۷۴
- منشأیات تاریخ قوم کرد : ۷۴
- جغرافیا..... ۷۶

۷۷ جمعیت.
۷۸ زبان.
۸۰ مذهب.
۸۱ ب (عناصر تشکیل دهنده قوم ترک :
۸۱ منشأیات تاریخ ترکان :
۸۹ زبان :
۹۴ جمعیت :
۹۶ جغرافیا :
۹۸ ج (جمع بندی فصل :
۱۰۰ پی نوشت:

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل

۱۰۴ الف (سیاست قومی
۱۰۴ سیاست قومی (ایلی) قبل از ظهور دولت (شبه) مدرن رضاشاه :
۱۱۰ سیاست قومی (ایلی) دولت (شبه) مدرن رضاشاه :
۱۱۷ دیگر اقدامات تأثیرگذار بر اقوام دولت (شبه) مدرن رضاشاه :
۱۱۷ الف-سیاست آموزش :
۱۲۲ ب-سیاست صنعتی و تجاری :
۱۲۹ ج-توسعه حمل و نقل و ارتباطات :
۱۳۳ د-برچیده شدن ایالات و متمرکز شدن قدرت در مرکز :
۱۳۶ ه - حاکمیت ناسیونالیسم آمرانه مبتنی بر فارس گرایی (وحدت ملی).
۱۴۳ جمع بندی سیاست قومی

۱۴۶	ب) قوم گرایی
۱۴۶	۱- حرکت های مرکزگرایز در آذربایجان:
۱۴۶	الف- قیام شیخ محمد خیابانی (عدوم قوم گرایی):
۱۴۶	ب- بحران آذربایجان (شروع قوم گرایی):
۱۵۶	۲- حرکت های مرکزگرایز در کردستان:
۱۵۶	الف- شورش سیمیتقو (عدم قوم گرایی):
۱۵۶	ب- بحران کردستان (شروع قوم گرایی):
۱۶۴	جمع بندی قوم گرایی
۱۶۶	پی نوشت:
۱۷۴	نتیجه گیری
۱۸۲	فهرست منابع

مقدمه :

وجود تنوع قومی و فرهنگی در قلمرو فرمانروایی یک حکومت ، در برهه های مختلف تاریخی از جانب حکومت ها به عنوان مؤلفه های تهدید زا یا فرصت آفرین نگاه شده و بر پایه همین نگاه ، سیاست هایی برای مدیریت راهبردی تنوع قومی و فرهنگی در جهت منافع حکومت به اجرا درآمده است . بدین خاطر است که ، مسأله تنوع قومی صرفاً از منظر دید حکومت ها و منافع آنها است که به مسأله ای مهم تبدیل می شود . با این حال تفاوت در نگاه دولت های قدیم (سنتی) و جدید (مدرن) نسبت به مسأله تنوع قومی قابل تشخیص است ، بدین معنا که دولت ها در جهان قدیم صرفاً سعی در مدیریت و کنار آمدن با تنوع قومی داشته اند در حالی که دولت های مدرن به ویژه در جوامع غیر غربی که فرآیند مدرن شدن در آن ها درون جوش و ساختاری نبوده برای دست یابی به ادغام و یکپارچگی و وحدت ملی سعی در از میان بردن تفاوت های قومی داشته اند . جامعه ایران به لحاظ تاریخی دارای بافتی چند قومی بوده است بدین خاطر بوده که در عصر قاجار مشارکت اقوام در حکومت مرکزی قوی بوده است . در دوره قاجاریه خاندان های محلی با اطاعت از شاه و پشتیبانی تأثیرگذار و همیشگی دربار تهران ، در مناطق خود فرمانروایی می کردند . به عبارتی می توان گفت نگاه دولت قاجار به تنوع قومی مدیریت و کنار آمدن با این پدیده بوده .

اما از آن جایی که جامعه ایران نیز همانند اکثر جوامع غیر غربی مدرنیزاسیون بروزا را تجربه کرده با چالش ها و بحران های در حوزه تنوع قومی رو به رو شده است . بدین معنا که بافت جامعه ایران بعد از به قدرت رسیدن دولت (شبه) مدرن رضاشاه با اعمال سیاست تمرکز گرایی (در جنبه های مختلف) و سیاست یکسان سازی دچار دست کاری شده و این دست کاری هم سرچشمه

چالش‌ها و بحران‌های مانند بحران‌های قومی (بحران آذربایجان و کردستان) بوده که ریشه آن را باید در تنوع قومی جست و جو کرد.

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱- طرح مسأله :

اگر قوم و قومیت را به عنوان یک تشکل اجتماعی با شناسه ها و موارد فرهنگی نظیر ، زبان ، جمعیت ، مذهب ، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی و مهمتر از همه «ادراک هویت قومی» اعم از واقعی و احساسی و جعلی تعریف کنیم بنابراین تنوع و تکثر قومی از ویژگی های جامعه ایران است . بدین ترتیب ایران کشوری است با تنوع قومی . از این رو موضوع مشارکت اقوام در نظام سیاسی و اجتماعی ایران و به رسمیت شناخته شدن فرهنگ و هویت آنها و همچنین مدارای مذهبی بین مردم ایران با هر اندیشه و مذهبی ، سزاوار بررسی جدی می باشد . در گذشته تاریخی ایران مشارکت عمومی در قدرت وجود نداشته و فرمانروایان نیز معمولاً از مذهبی رسمی دفاع می کردند . چنین وضعیتی همواره نارضایتی پیروان مذهب های غیررسمی و اعتراض اقوامی که از قدرت دور مانده اند به همراه داشته است . با این وجود در طول تاریخ ، هیچ یک از اقوام ناراضی یا مردمی که پیرو مذهب رسمی نبوده اند از هویت ایرانی خود فاصله نگرفته اند و هویت ایرانی منحصر به قوم یا مذهب خاصی نبوده . به بیان دیگر قوم دور مانده از قدرت ، جدایی از ایران را دنبال نمی کرده بلکه در پی تصاحب حکومت بوده است . نمونه آشکار این موضوع تلاش افغان های سنی برای از میان بردن شاهنشاهی صفوی و رسیدن به قدرت سیاسی بود . چنین نگرشی تا دهه های ابتدایی سده بیستم میلادی به هر جریان سیاسی که در مناطق سکونت اقوام گوناگون ظهور می کرد ، کم و بیش پا بر جا بود ، چنانکه شورش سیمیتقو در کردستان و خیزش شیخ محمد خیابانی در آذربایجان هیچ یک جنبه ایران ستیزی نداشتند و حتی مطالبات قومی خاصی را

پی گیری نمی کردند . اما الگوی نوسازی و به تبع آن اتخاذ سیاست یکسان سازی نسبت به گروه های قومی دولت (شبه) مدرن رضاشاه که صرفاً تقلیدی چشم بسته و متأثر از تجربه مدرنیزاسیون غرب بود به تدریج بر نارضایتی های قومی افزود و آن را در مسیری جدید قرار داد که تبلور و مصداق عینی آن بحران آذربایجان و کردستان در سال های ۲۵-۱۳۲۴ می باشد .

این پدیده نیازمند بررسی دقیق و علمی می باشد . اما مسایل قومی نیز مانند بسیاری از مسایل دیگر و پرسش های کلان جامعه ایران هنوز صورتی ابتر و مبهم داشته و غالباً به نحو ضمنی و تلویحی طرح می شود. این ویژگی باعث شده که هم بیان خواسته های قومی در ایران معاصر با جوانب معوج و ناروشنی توأم باشد و هم طرز تلقی جامعه و حکومت از آنها . در تلاشی گذرا برای یافتن پاسخی به چگونگی شکل گیری و نحوه طرح و بحث مسایل قومی در ایران به راحتی می توان با اشاره به ابعاد خارجی امر پاسخی ساده برایش یافت ، یعنی به تاریخچه طرح و بحث مسایل قومی در ایران اشاره کرد و این نکته را یادآور شد که شکل گیری نگاه و خواسته های قومی در ایران بیش از آنکه محصول مناسبات سیاسی و فرهنگی داخل ایران باشد ، بازتاب شکل گیری یک چنین پدیده هایی در خارج از مرزهای ایران بوده است .

ناسیونالیسم آذری حاصل تحولات شکل گرفته در حاشیه مسلمان نشین امپراطوری روسیه در قفقاز بود که با پایان جنگ جهانی اول به تأسیس کشوری به نام «آذربایجان» در آن حوزه منجر شد و از تبعات و تأثیرات این پدیده در ایران امروزی می توان به عنوان زمینه شکل گیری برخی تحولات قومی در آذربایجان ایران نام برد و یا در مقایسه مشابه ، پاره ای از تحولات جاری در حوزه مطالبات قومی کردهای ایران را حاصل شکل گیری ناسیونالیسم کرد در حوزه عثمانی دانست و در ادامه این استدلال نیز ریشه های تداوم و استمرار این نوع تحرکات را در سیاست قدرت های خارجی دنبال کرد .

در واقع یک چنین توضیحی - اگر در همین سطح باقی بماند - این خطر را پیش می آورد که با نادیده انگاشتن دیگر ابعاد امر - از جمله زمینه های داخلی کار - نه تنها تصویری ناقص و یکجانبه ای از آن به وجود آید ، بلکه به تبع این تصویر ناقص و یکجانبه ، امکانات دیگری نیز که می تواند برای حل و فصل این معضل مورد توجه قرار گیرد نادیده بمانند . این نگاه که به نظر می آید در سطح دیدگاههای رسمی و حکومتی بدین مقوله - به ویژه در هنگام بحران های قومی - دیدگاهی غالب باشد ، در ادبیات سیاسی ایران معاصر نگاهناشنایی نیست و معمولاً در انتقادهایی که می شود ، از آن به عنوان یک نوع نگاه و رویکرد «امنیتی» یاد می شود .

به هر حال مباحث قومی در ایران بنا به دلایلی چون گره خوردن طرح و بحث آن با تحولات و تحرکات برون مرزی و هم چنین عوارض حاصل از دوره های طولانی بسته بودن فضای سیاسی کشور به آمیزه در هم تنیده ای از نکات بر حق و ناحق تبدیل شده است که به رغم مدت زمانی نسبتاً طولانی از طرح و بیان آن ها هنوز به طور جدی مورد بررسی قرار نگرفته ، شکل گیری یک چارچوب دموکراتیک و بازتر شدن فضای سیاسی نه به عنوان یک ارزش فی نفسه ، بلکه فقط از آن رو مهم است که می تواند زمینه شناسایی این اجزاء و بنابراین تفکیک حق و ناحق مسایل قومی را فراهم سازد .

۲- اهمیت تحقیق :

با پایان یافتن جنگ سرد ، جهان تحولات جدیدی را تجربه نموده است ، بخشی از این تحولات مهمترین بازیگران صحنه جهانی یعنی نظام دولت - ملت ها را با چالش های جدی رو به رو ساخته است . تجزیه اتحاد شوروی به جمهوری های متعدد و مستقل ، از هم پاشیدگی یوگسلاوی ، ادامه و استمرار درگیری ها در کشور افغانستان پس از برکناری دولت کمونیستی ژنرال نجیب الله

، کشتار و قتل در روآندا ، عراق و سودان و ... از ورود مجدد و پر قدرت "ناسیونالیسم قومی" به عنوان یک فاکتور در مناسبات داخلی و بین المللی حکایت دارد .

در شرایط کنونی آنچه بیش از پیش بر اهمیت و حساسیت کشمکش های قومی افزوده و به آن ها ابعاد فرامرزی ، منطقه ای و حتی بین المللی بخشیده است در واقع متأثر از عوامل و عناصری است که در گذشته کمتر ایفاگر نقش بوده اند . انقلاب در عرصه ارتباطات و اطلاعات و از بین رفتن فواصل جغرافیایی ، ارتقای سطح آگاهی عمومی و نیز شناخت مردم نسبت به هویت فردی و اجتماعی خود ، امکان درک بهتر مناسبات اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و احیاناً ظلم ها و ستم ها و تبعیض های موجود در روابط بین اقوام ، افزایش سطح انتظارات و تقاضاها ، هم چنین ، امکان بررسی روابط فرامرزی اقوام و گروههای هم ریشه و تبار ، افزایش کمی و کیفی جنگ افزارهای نظامی و سلاح های کشتار جمعی و نقش و تأثیر مداخله گرایانه بازیگران منطقه ای و بین المللی و به ویژه پس از تحولات جدید و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک قدرت بازدارنده و احتمال افزایش و سرایت درگیری ها به مناطق هم جوار می توان بر شمرد . در کنار حساسیت و اهمیت جهانی موضوع در ایران نیز بحران های قومی (به ویژه دو بحران آذربایجان و کردستان در سال های ۲۵-۱۳۲۴) که کشور را تا آستانه تجزیه ارضی سوق داده است ما را بر آن می دارد تا با توجه به شواهد و قرائن ، به ویژه تعارض سیاست خارجی ایران با سنخ نظام بین الملل و ایالات متحده از منظر پیش بینی علمی و آینده نگری و سیاست گذاری ، وقوع وقایعی از این دست را متحمل دانسته و به بررسی و تبیین ابعاد و جنبه های مختلف آن پردازیم .

۳- اهداف تحقیق :

آنچه مشخص می باشد این است که هیچ تنوعی فی حد ذاته مذموم نبوده و در مقابل هیچ یکدستی نیز ممدوح نمی باشد و حتی عکس آن ، چرا که در عین حال که یکدستی و همگونی قومی در بطن یک جامعه می تواند مزایایی در بر داشته باشد ، تنوع و تکثر نیروهای اجتماعی و قومی نیز این جوامع را از ظرفیت ها و پتانسیل هایی برخوردار می سازد که برخورداری از آن ها می تواند موتور رشد و توسعه و همگرایی و هم سازی فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی باشد . بنابراین هدف این پژوهش این است که گامی واقع بینانه در جهت مسأله شناسی قوم گرایی در ایران در چارچوب آسیب شناسی ملی به شمار رود .

۴- سؤال تحقیق :

اقدامات دولت (شبه) مدرن رضاخان چه تأثیری بر سیاست قومی و قوم گرایی در ایران داشته است ؟

۵- فرضیه تحقیق :

اقدامات (مبتنی بر رهیافت نوسازی منبعث از مدرنیته) دولت (شبه) مدرن رضاخان باعث شد که اولاً : سیاست قومی دولت در ایران برای اولین بار از تکثرگرایی قومی به یکسان سازی قومی تبدیل شود . ثانیاً : این سیاست باعث پدید آمدن و رشد قوم گرایی (سیاسی شدن قوم گرایانه) در میان اقوام ایرانی گشت .

۶- متغیرهای تحقیق :

۱- متغیر مستقل : اقدامات دولت (شبه) مدرن رضاخان

۲- متغیر وابسته : سیاست قومی و قوم گرایی در ایران

۷- تعریف مفاهیم :

۱- نوسازی : (Modernization)

ایجاد تغییراتی در تلقیات فردی ، رفتار اجتماعی ، اقتصاد و سیاست . به طور کلی هر جا سخن از ایجاد تغییراتی به میان آید که در رفتار فردی و اجتماعی و یا اقتصاد و سیاست جامعه مؤثر باشد نوسازی است . این واژه معمولاً در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم معمولاً به معنی تعقل و نادینی گری به کار می رفت . اینک نوسازی ، غالباً به معنی رشد اقتصادی است که شامل خصوصی سازی ، کوچک شدن سهم صنعت و دولت ، بازسازی بازار کار و نظام آموزشی است و یا مترادفی است برای واژه های غربی شدن و نوگرایی (۱).

در تعریفی دیگر از نوسازی آمده است که واژه «نوسازی» شاید معادل فارسی مناسبی در برابر کلمه "Modernization" (در انگلیسی و فرانسه) که امروزه زیاد مورد استعمال دارد باشد و مفهوم آن با مفهوم تغییر و تحول وجه مشترک دارد و نیز با مفهوم ترقی و پیشرفت و اصلاحات مترادف است . در یک معنای عام مبین وضعیت جدید هر چیز نسبت به وضعیت قبلی آن است (۲).

۲- رهیافت نوسازی :

نوسازی به هر گونه برنامه ریزی مرحله ای اطلاق می شود که به ایجاد تغییراتی در تلقیات فردی و رفتار اجتماعی ، اقتصاد و سیاست جامعه منجر شود . به هر تقدیر نوسازی یک جریان چند بُعدی است و وجوه مختلف فکری ، فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرد .

مکتب نوسازی ریشه در برخی سنت های فکری علوم اجتماعی داشت که از میان آنها ، تکامل گرایی ، اشاعه گرایی و مکتب ساختاری - کارکردی را به عنوان دیدگاههایی که بیشترین تأثیر را در شکل گیری مجموعه نظریه های نوسازی داشته می توان نام برد(۳).

۳- مدرنیته : (Modernity)

تقابل بین قدیم و جدید که پس از قرون وسطی یا از حدود رنسانس به بعد آغاز شد و اصولاً مفهومی است که در علم ، تکنولوژی ، فلسفه ، هنر ، معماری و جز اینها نمود می یابد . ویژگی های مدرنیته عبارتند از : عینیت گرایی ، فردگرایی ، نادینی گرایی ، علم گرایی ، انسان مداری و واقع گرایی و ترقی خواهی مدرنیته را با مدرنیسم یکی ندانسته اند . ظاهراً مدرنیسم بیشتر نو شدن و دگرگونی در اقتصاد و تکنولوژی و حوزه های دیگر جامعه را در بر می گیرد . در حالی که مدرنیته نه فقط نو شدن در این حوزه ها را شامل می شود بلکه دریافت ذهنی نو از جهان ، دریافت نو از هستی و دریافت نو از زمان و تحول تاریخی و به طور کلی ذهنیت را نیز در نظر دارد .

مدرنیته از جمله با این ضابطه مشخص می شود که بشر در آن به مسائلی مثل مرگ ، رستاخیز و خدا به شیوه ای تازه می اندیشد که با شیوه گذشته فرق دارد . مثلاً انسان با اندیشه قائم به ذات خود خدایش را جست و جو می کند و می یابد و به آن ایمان می آورد .